



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
د مولانا سعيد افغانی د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغانی : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست !

نوښته : مولانا داکتر محمد سعيد « سعيد افغانی »

تاریخ نشر مجدد : 4 اگست 2018 م

طیب پگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟ « قسمت دوم »

مرض : طیب عزیز و گرامی را مراتب احترام تقدیم میدارم و اجازه میخوام که در حضور چنین طیب دانشمند به صحبت خویش دوام دهم ، زیرا صحبت شما درد های مرض من را یکا یک شرح داده به چنان تشخیص مواجه میباشم که گویی طیب محترم به چشم سر معاینه نموده ، تجربه و تحلیل درست میفرمایند .

اینکه شما میدانید که مرض من چیست و تشخیص درست نموده اید ؛ قابل ستایش و قدر است !
فلذا ؛ مریضان اجتماع از تشخیص شما مراتب امتنان فرمایند ، اعتماد و اطمینان بر تشخیص اجتماعی تقدیم کنند و یا شما در راه معالجه اساسی اشتراک مساعی مقدور را بخرچ رسانند ، مگر ؛ جای نهایت تاسف و تأثر است که شما در عمل نمیتوانید چطور معالجه اساسی را به میان آورید .

قبلاً گفتم باید مریضان با شما در راه معالجه اساسی اشتراک مساعی مقدور به خرچ رسانند و من باور دارم اگر این عملیه درست انجام گردد ، آن وقت شما میتوانید که چطور محاسبه اساسی را بمیان آرید .

محترما : نمیدانم چرا تا حال دانشمند ان وعناصر صالح بی طرف و جریانی نتوانسته اند که در مقابل چنین اوضاع بحرانی تبادل افکار را بمیان آرند و وجوه مشترک را تعیین کنند !

آیا نمیدانید و یا نمیتوانید در مقابل خطر مدش جبهه واحد را تشکیل دهند ؟

محترما : اوضاع روز ، از هر طرف به اثبات میرساند که اگر بعد از این هم به اغفال ادامه داده شود ، موجودیت اجتماعی را از دست خواهند داد .

اوضاع داخلی و خارجی به مرحله احساس توصل نموده ، مگر؛ با این هم بولهوسان به مقدرات مریضان بازی طفلانه مینمایند و با این همه مشکلات از اوضاع بحرانی پر است و چوکی های علاج مریضان را به نا اهلان میسپارند ، یعنی :

آنانیکه فکر و اندیشه ندارند و بجز از منافع شخصی و آن هم به احساس نامعقول متوجه میگردند .

آنانیکه تضاد ها را تولید و عقده ها را تزید میخشد .

آنانیکه سالیان دراز خون بیچاره گان را چشیده و احساس ملی را هیچ احترام ندارند .

آنانیکه مقدسات ملی و روحی به نزدشان ارزش ندارد .

آنانیکه اهل کار را فلج ساخته و شخصیت های کاذب را بمیان میارند .

آنانیکه علم و فضل و تجربه به نزدشان ، بدون چاپلوسی و تملق ارزشی ندارد .

آنانیکه به ساز دیگران رقص میکنند و از خود غافل اند .

آنانیکه دشمن کلتور و شرافت خود اند و خود را هم در خود سراغ ندارند .

آنانیکه حیات عامه و منافع آنها را به تباهی مواجه ساخته و با این هم بکمال جسارت و جرأت خدمات بی ارزش خود را حساب میکنند و خورد را به خروار و خروار را به خورد محاسبه دارند ...

افسوس صد افسوس : بحال ملتیکه ارزش ها در آن بی ارزش و بی ارزش در آن ارزش دارد .

افسوس: بحال آن مریضان بی چاره ؛ که چاره آنها به مرگ و فنا خاتمه میابد و در وقت مرگ نالش خویش را به سمع عاطفه رساننده نتوانسته .

افسوس : بحال آن ملتی که روز بروز احساس و شعور ملیت را از دست داده ، مغایر و مقایس های خوب و بدشان تنها و تنها در خوردن و نوشیدن و دم خوش بدون التفات به آینده و مستقبل مضمحل باشد .

افسوس : به حال آن اقوامی که تحلیل واقعی اوضاع را از دست داده از معلول به علت و از علت به علت الولیت و آخر به مبدا ، تمام کشیدگی ها و بی نظمی ها پی نمیبرد .

پس ؛ نمیدانم نتیجه چه خواهد شد و خاتمه چه خواهد بود ؟

طیب : تشکر از احساس پر شعور شما ، تحلیل شما درست و مشوره شما از احساس ملی نشست کرده ، مگر ؛ باید ملتفت باشید که این نوع هیجانات شما خطری دارد ؛ میترسم این هیجانات شما افراطی نگردد .

بنأ ؛ توصیه مینمایم که شما باید هیچ وقت اعتدال را از دست ندهید و به نظر من علاج شما در سیر تدریجی معالجه است !!

من بارها به شما توصیه کرده ام ، که باید مایوس نباشید و حساب معالجه امراض خود را چنان دقیق در نظر بگیرید که حتی به حساب معالجوی شما مکروبهای ضد ، در صحت شما هم واقعیت پیدا نکند ؛ حتی اگر نشود مکروبهها را هم به نام مکروب یاد نکنید !!!

درست است که این نوع حرکت در تاثیر نهایت بطنی بوده ، مگر؛ دلایل من برای استفاده مثبت از این حرکت نهایت قوی میباشد و بصراحت به شما میگویم که باید ساده و خوش باور نباشید تا نشود کار را نکرده ، مورد حمله اغیار قرار گیرید .

شما حق بجانب هستید که از مکروبهها شکایت میکنید و از نارسای های معالجوی نالاش مینماید ، مگر بگوید که این نالاش و شکایت شما باید با کی مطرح بحث قرار داده شود ؟

من نمیگویم : با اشخاص خبیر و صالح مفاهمه نکنید ، بلکه میگویم باید تخمین شما در تعیین اشخاص خبیر و صالح خطا نشود .

من نمیگویم : که درد را با اهل درد جهت رسیدن به معالجه اساسی بحث نفرماید ، بلکه میگویم این نوع بحث را با بی دردان مطرح نکرده و مخصوصاً با آنهایکه از درد دیگران حظ و لذت میبرند .

من نمیگویم : که علاج ده ساله را اگر بتوانید در یک روز بمیان نه آرید ، مگر شرط این است که در تخمین توان خود خطا نشوید و فرصت های معقول را عقب نه اندازید .

من نمی خواهم : شما جرات اخلاقی را از دست دهید ؛ بلکه میگویم ، جرات اخلاقی را در موقع آن استعمال کنید .

من باور دارم : که اگر تشخیص درست و وسایل معالجه تهیه و فرصت مساعد گردد ، معالجه اساسی حتماً بمیان آمده میتواند .

مگر ؛ فن اساسی معالجه در نزد من همان است تا زمینه تبادل افکار را فهمید ؛ و وجوه مشترک مساعی را پیدا کرد !!!

البته با این هم ؛ فیصله انجام خدمات اجتماعی ، بدست رجال دانشمند و اولاد صالح وطن خواهد بود ...

پایان قسمت دوم

دکتر محمد سعید « سعید افغانی »

مورخ ۱۴ قوس ۱۳۵۰ هجری شمسی - کابل

تهیه و ترتیب کننده : برهان الدین « سعیدی »

www.said-afghani.org - بازگشت به صفحه اصلی